



درس هشتم:

دگر گونه بینیم و گونه گون بنویسیم

کتاب چهارم
پیر فرخند
کلاس هفتم
روز یکشنبه
هر یک از این
شکلها به چه رنگ
رنگ آمیزی کرده اند
برای این شکلها
سایه کشیدند

و رنگها
مستطال بزرگ
عمیق است
مشغول بنویسند
نمونه از یک
نظریه این
کتابخانه
در یک دفتر
طی این روش
هدایت فرود

مستطال نو از یک
خوبی به هر
سایه در یک
نظریه این
رنگها
و رنگها
مستطال بزرگ
عمیق است
مشغول بنویسند

رنگهای متنوع در این
شکلها به چه رنگ
رنگ آمیزی کرده اند
برای این شکلها
سایه کشیدند



دگر گونه بینیم و گونه گون بنویسیم

کتاب «مهارت‌های نوشتاری» داشت به پایان می‌رسید؛ اما شوق نوشتن و آموختن پایانی نداشت. سفر پرپیچ و خم نوشتن، اینک به ایستگاه پایانی رسیده بود. کلاس نوشتن که پس از پشت سر گذاشتن برگ‌ریزان پاییز و برف‌ریزان زمستان، به رویش اردیبهشتی خود نزدیک می‌شد، در انتظار درس جدید نشسته بود. معلم، با یک مقدمه شروع کرد:

هریک از من و شما در جاهای مختلف که قرار می‌گیریم، ممکن است نقش‌ها و وظیفه‌های متفاوتی داشته باشیم؛ مثلاً وقتی در خانه هستیم؛ فرزندی از اعضای آن خانواده به‌شمار می‌آییم و در آنجا وظایفی داریم. اکنون که در مدرسه و کلاس هستیم، نقش و تکلیف دیگری داریم. اگر در محله و کوچه خود باشیم؛ در آنجا هم وظیفه دیگری داریم و همین‌طور در جاهای مختلف، خواهیم دید که نقش و وظیفه جدیدی خواهیم داشت. به‌همین سبب اگر بخواهیم چیزی درباره خود بنویسیم و خودمان را به کسی معرفی کنیم، بسته به اینکه از کجا آغاز کنیم، نوشته و نوع معرفی ما متفاوت خواهد بود.

یکی دیگر از راه‌های توانمندسازی ذهن و زبان هنگام نویسندگی، ایجاد فرصت بیشتر برای فکر کردن است. اندیشیدن درباره یک چیز، راه‌های فراوانی را در ذهن، نسبت به شناخت بهتر آن، پدید می‌آورد. وقتی زمان کافی برای اندیشیدن درباره یک موضوع داشته باشیم و از دیدگاه‌ها و دریچه‌های مختلف به یک موضوع، نگاه کنیم، جنبه‌ها و کارکردهای گوناگون یک پدیده را در نظر می‌گیریم.

حال اگر بخواهیم درباره «گل» چیزی بنویسیم، از زاویه‌های متفاوت می‌توانیم به آن نگاه کنیم و هر بار، مطالب تازه‌ای بنویسیم. مثلاً در نوشته صفحه بعد، نویسنده «گل» را از نگاه شاعران، دانشمندان، طبیبان، صنعتگران و قالی‌بافان، و حتی از چشم عقل، دیده و نوشته است:



« بعید است در عالم طبیعت، چیزی زیباتر و خوب تر از گل وجود داشته باشد... شاعران در گل هزاران مضمون نغز و معنای لطیف یافته‌اند و برای آن مضامین هزاران بیت زیبا سروده‌اند. لاله‌سرخ رنگی که در بهاران دل خاک تیره را می‌شکافد و مانند آتشی زبانه می‌کشد، ما را به یاد شهیدان می‌اندازد که پردهٔ سیاه ظلم را با خون سرخ خویش شکافته‌اند.

دانشمندان نیز از گل هزاران قاعده و قانون علمی شناخته‌اند. آنان از گل، یک جهان دانش آموخته‌اند و دریافته‌اند که گل، تنها یک نقاشی رنگارنگ نیست!

طیبیان به صورت‌های مختلف، داروی دردهای گوناگون را در گل، جُسته‌اند و یافته‌اند. از نظر آنان هر گلی، داروی دردی را در خود دارد. گل عطاری است که به شیوهٔ عطاران قدیم، هم عطر فروش است و هم دارو فروش!

صنعتگران نیز از گل، سودهای می‌برند؛ رنگ‌رزان رنگ‌های لطیف و پرمایهٔ گل را در صنعت خویش به کار می‌گیرند و قالی بافان با الهام از شکل‌ها و ترکیب‌های گل، طرح‌های دلپسند بسیاری در می‌افکنند. گلاب گیران نیز رونق بازارشان از برکت بوی دل‌انگیز گل است. تاکنون فایدهٔ گل را برای شاعران و عالمان و طیبیان و صنعتگران برشمرده‌ایم. اکنون هنگام آن است که بپرسیم عقل از گل چه سودی می‌برد؟

اگر گل و گلزار را با چشم عقل تماشا کنیم، جز حکمت و تدبیر، چیزی نمی‌بینیم. به راستی آن هنرمند نقاش و حکیم ریاضیدان که مهندسی گل را برعهده داشته، کیست؟

آن کیست که در گل این همه زیبایی و لطف و خاصیت را قرار داده است؟

آن کیست که گل را از گل، بیرون کشیده و از خاک تیره و خشن، محصولی این چنین رنگین و لطیف و معطر پدید آورده است؟

گل، قطره‌ای از دریای بیکرانهٔ جلال و جمال الهی است که گویی از آسمان به زمین، چکیده است.»

◆ (غلامعلی حدّاد عادل، فارسی و آیین نگارش، سال اوّل دبیرستان، ۱۳۶۶)

اگر بخواهیم، از روزنهٔ چشم هر کدام از این افراد به گل بنگریم و نوشته‌ای متناسب با طرز فکر آن بیافرینیم، شاید نوشته‌هایی شبیه نوشته‌های صفحهٔ بعد پدید آید:

◆ از نگاه «شاعر»:

غنچه با دل گرفته گفت: / زندگی لب ز خنده بستن است / گوشه‌ای درون خود نشستن است

گل به خنده گفت: / زندگی شکفتن است / با زبان سبز، راز گفتن است...

◆ امین پور

◆ از نگاه «گیاه‌شناس»:

گیاه از طریق ریشه و برگ‌ها تغذیه می‌کند. ریشه‌هایی که در عمق نمناک خاک فرورفته‌اند و برگ‌هایی که مثل یک صفحه پهن، نور خورشید را جذب می‌کنند...

◆ از نگاه «طیب»:

گل سراسر درمان است. از بوی گل گرفته تا ریشه و ساقه و برگ و حتی خار گل هم درمانگرند. تا روی شاخه است، هوا را معطر دلپذیر می‌کند و شادی و شادابی می‌بخشد. وقتی چیده شد، دارویی مفید می‌شود برای بیماران. عصاره یا افشردۀ گل سرخ تقویت‌کننده قلب است...

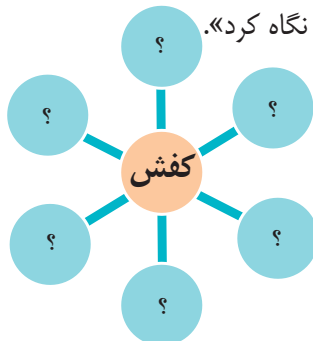
◆ از نگاه «صنعتگر»:

صنعت گلاب‌گیری از دیر باز در ایران متداول بوده است. کاشان، بیش از هر جای دیگر در ایران با گل و گلاب عجین است. حتی در این شهر جشن گلاب برپا می‌شود و...

◆ از نگاه «باغبان»:

من نتیجه زحمت‌ها و تلاش‌های خود را در همین گل‌های رنگارنگ می‌بینم. این همه کوشش، وقتی به شکفتگی غنچه‌ها می‌انجامد، خوشحال می‌شوم. گل‌ها و بوته‌ها مثل فرزندان من هستند...

معلم، نموداری روی تخته کشید و گفت: «اکنون از شما دانش‌آموزان می‌خواهم، بگویید از چه زاویه‌هایی می‌توان به «کفش» نگاه کرد».





◆ متن زیر را بخوانید و تفاوت نگاه دو شخصیت (پدر و پسر) را بنویسید.

یک بار پدر بسیار ثروتمندی پسرش را به روستایی برد تا او را با شیوه زندگی افراد آنجا آشنا سازد. آنان دو شبانه‌روز در مزرعه خانواده تهیدست و فقیری به سر بردند.

در راه برگشت، پدر از پسر پرسید: «سفر چگونه بود؟»

پسر گفت: «عالی بود پدر.»

پدر گفت: «زندگی مردم فقیر را دیدی؟»

پسر گفت: «آری، پدر عزیزم.»

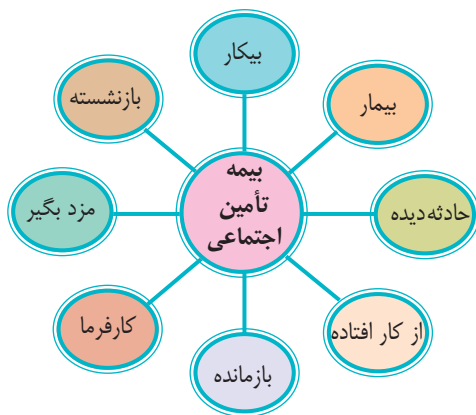
پدر پرسید: «از آنان، چه آموختی؟»

پسر گفت: «ما گوسفند نداریم؛ ولی آنان چند گوسفند دارند. حوض خانه ما تا وسط باغ کشیده شده؛ اما رودخانه آنان بی‌پایان است. سراسر باغ ما را چراغ‌ها روشن می‌کنند، ولی شب‌های آنان را ستاره‌ها روشن می‌کنند. ما قطعه زمین کوچکی برای زندگی داریم، ولی کشتزار آنان بسیار گسترده است. ما تمام غذایمان را می‌خریم؛ آنان بیشتر نیازهای غذایی را خودشان پرورش می‌دهند...»
با شنیدن حرف‌های فرزند، پدر سرش را به زیر انداخت و خاموش شد.

پسر افزود: «پدرجان! از شما سپاسگزارم که به من نشان دادی، ما چقدر فقیریم.»

(دبا استیت، مترجم: الهام مؤدب، با تغییر و بازنویسی)

◆◆ یکی از خوشه‌های نمودار زیر را انتخاب کنید و از نگاه او، متنی درباره «تأمین اجتماعی» بنویسید.



A large rectangular writing area with a light blue border and a decorative diamond pattern on the sides. The interior contains ten horizontal dotted lines for writing.



◆◆◆ یکی از نوشته‌های تمرین قبل را براساس معیارهای زیر، ارزیابی کنید.

سنگه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش نویس،
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، توجه به درست‌نویسی، نداشتن غلط‌املائی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ نگاه تازه و دگرگونه به موضوع؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



- ◆ آرش، تیری بیفکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بیفراشت.
- ◆ آرش، تیری بافکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بافراشت.


شیوه نوشتاری جمله اول، درست است. زیرا در نوشتار معیار امروز، هرگاه حرف‌های «ب، ن، م» بر سر فعل‌هایی قرار بگیرند که با نشانه همزه «ا» آغاز شده باشند، هنگام نوشتار، حرف «ی» جانشین همزه می‌شود.

مانند: انداز ← بینداز، انگیخت ← بینگیخت، افروخت ← بیفروخت

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ با تلاش فراوان می‌توانستند، علوم بسیاری باندوزند.

- ◆ هرگز، فرصت امروزت را به فردا، مافکن.

حکایت زیر را بخوانید و بازنویسی کنید: 

حکایت:

به روزگار انوشیروان، روزی
وزیرش، بزرگمهر، نزد وی آمد.
انوشیروان گفت: ای وزیر، همه
چیز در عالم، تو دانی؟
بزرگمهر، خجل شد و گفت: نه،
ای پادشاه.
انوشیروان گفت: همه چیز،
پس که داند؟
بزرگمهر گفت: همه چیز، همگان
دانند و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند.
(قابوس نامه)

بازنویسی :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

نیایش

الهی!

الهی، به سوی تو آمدم، به حقّ خودت مرا به من برمگردان!
الهی، کامم را به حلاوت تلاوت کلامت، شیرین بدار!
الهی، وای بر من اگر دلی از من برنجد!
الهی، تو را دارم چه کم دارم، پس چه غم دارم.
الهی، به قدر معرفتم تو را پرستش می کنم، در راهم، راهم ده!
الهی، ناتوانم و در راهم و گردنه های سخت در پیش است و
رهزن های بسیار در کمین و بارِ گران بر دوش. یا هادی «إِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ...»

الهی، رویم را نیکو کردی، خویم را هم نیکو گردان!
الهی، شکرست که زنگ تفریح من، گشت و گذار در کتب و آثار
علمی و تماشای آنهاست.
الهی، همه تو را خوانند: قُمری به قوقو، پوپک به پوپو، فاخته به
کوکو، و من به هوهو.
الهی، حقّ محمّد و آل محمّد، بر ما عظیم است؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مَحْمَدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ!»

◆ الهی نامه، حسن زاده آملی



پیوست
شبه‌نامه ارزشیابی آموزش مهارت‌های نوشتاری
(نگارش و انشا)



شیوه نامه ارزشیابی آموزش مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا):

کتابی (۲۰ نمره)

ارزشیابی این درس در دو بخش صورت می‌گیرد:

الف) ارزشیابی فرایندی (مستمر)

ب) ارزشیابی پایانی

◆ الف) ارزشیابی فرایندی (مستمر)، (۲۰ نمره)

ارزشیابی فرایندی، ارزشیابی عملکردی است که هم‌زمان با پیشرفت فرایند «یاددهی - یادگیری» و دقیقاً مبتنی بر آموزه‌های کتاب درسی صورت می‌گیرد؛ یعنی معلم پس از آموزش درس و به محض ورود به فعالیت‌های نگارشی ارزشیابی را آغاز می‌کند.

ارزشیابی فرایندی در دو بخش و مبتنی بر موارد زیر است:

۱) مهارت نوشتن (۱۸ نمره)

◆ **بازشناسی (تشخیصی)**، (تمرین شماره ۱ هر درس)،

این تمرین‌ها در پی سنجش و تقویت توانایی بازشناسی دانش‌آموزان است.

◆ **آفرینش (تولیدی)**، (تمرین شماره ۲ هر درس)،

اهداف آموزشی این تمرین‌ها، تقویت توانایی مهارت نوشتن بر اساس آموزه‌های هر درس است.

◆ **داوری (تحلیلی)**، (تمرین شماره ۳ هر درس)،

هدف این تمرین‌ها پرورش توانایی مهارت نقد و تحلیل نوشته‌ها، بر اساس سنجه‌های کتاب است.

◆ **تصویر نویسی، (انشای آزاد)** ، تصویر نویسی با هدف بالا بردن دقت در نگاه و درک عناصر بصری و در نهایت، تقویت مهارت نوشتن، طراحی شده است.

◆ **بازنویسی حکایت.** در باز نویسی حکایت، تأکید بر باز نویسی به زبان ساده و ساده نویسی است.

◆ **گسترش مَثَل.** در این بخش، بازآفرینی، گسترش دادن و افزودن شاخ و برگ به اصل مَثَل مورد تأکید است.

◆ **درست نویسی.** درست نویسی‌ها با هدف آموزش هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژگان نوشتار معیار در ساختار کتاب، گنجانده شده‌اند.

◆ **یادآوری :** هیچ یک از این عناصر و فعالیت‌ها به تنهایی موضوع آموزش و ارزشیابی نیستند؛ بلکه همه در خدمت تقویت توانایی نوشتن هستند. بنابراین پیشرفت دانش‌آموزان در مهارت نوشتن، هدف اصلی است.

(۲) مهارت خواندن (۲ نمره)

در این بخش، به دلیل پیوستگی مهارت‌های زبانی، مهارت خواندن متن تولیدی از سوی دانش‌آموزان ارزشیابی خواهد شد؛ یعنی لازم است هر دانش‌آموز، توانایی خوانش صحیح نوشته خود را با رعایت مهارت‌های خوانداری (تکیه، لحن، کنش‌های آوایی و ...) داشته باشد.

◆ (ب) ارزشیابی پایانی (۲۰ نمره)

بر پایه رویکرد اصلی این برنامه که «آموزش مهارت‌های نوشتاری» است. همه عناصر سازه‌ای و محتوایی کتاب به دنبال پرورش «مهارت نوشتن» هستند؛ بنابراین تمام آموزه‌های درس، فعالیت‌های نگارشی، تصویر نویسی یا انشای آزاد، بازنویسی حکایت و گسترش مَثَل، نهایتاً باید به تولید یک متن مناسب بینجامد که کم و بیش همه نتایج آزمون فرایندی را در برگیرد؛ این نتایج در هر نوبت و در قالب آزمون پایانی ارزشیابی می‌شود.

در ارزشیابی پایانی چند موضوع تعیین می‌شود تا دانش‌آموز یک موضوع را برگزیند و درباره آن، متنی بنویسد. نوشته دانش‌آموز، بر پایه سنجه‌های زیر، ارزشیابی می‌شود.

شیوه نامه ارزش‌یابی پایانی «آموزش مهارت‌های نوشتاری» پایه هفتم و هشتم		
موضوع	سنجه‌های ارزشیابی	نمره
الف) ساختار	<p>۱. ساختار بیرونی (داشتن آغاز، میانه، پایان)</p> <p>۲. ساختار زبانی (زبان نوشته ساده، جمله‌ها کوتاه)</p>	۲ ۲
ب) محتوا	<p>۱. خوش‌آغازی (جذابیت و گیرایی - نشان دادن نمایی کلی از محتوای نوشته)</p> <p>۲. پرورش موضوع</p> <p>۳. شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی - بیان احساس متناسب با موضوع)</p> <p>۳. سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه‌های مختلف موضوع - انسجام نوشته)</p> <p>۳. فکر و نگاه نو (نگاه به موضوع، از زاویه‌ای متفاوت)</p> <p>۳. خوش‌فرجامی (جمع‌بندی مطالب - تأثیرگذاری و تفکر برانگیز بودن)</p>	۲ ۳ ۳ ۳ ۲
پ) هنجارهای نگارشی	<p>۱. نشانه‌های نگارشی (نشانه‌گذاری به تناسب آموخته‌ها و نیازهای متن)</p> <p>۲. املائی واژگان (نداشتن غلط‌املائی)</p> <p>۳. پاکیزه‌نویسی (حاشیه‌گذاری و حسن سلیقه)</p>	۱ ۱ ۱

نمره نهایی: میانگین ارزشیابی فرایندی (مستمر) و ارزشیابی پایانی است.
($20 + 20 = 40 \div 2 = 20$)

در صورت برخورداری نوشته از فضای خلاقانه و نگاه نو، می‌توان از برخی کاستی‌های ظاهری و کم‌اهمیت مانند خط خوردگی‌ها، چشم‌پوشی کرد.





کتابنامه:

- ◆ **آرزوهای بزرگ**، چارلز دیکنز، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات فردوس و مجید، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- ◆ **آن روزها**، طه حسین، ترجمه حسین خدیو جم، انتشارات سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- ◆ **الهی نامه**، حسن حسن زاده آملی، نشر بوستان کتاب، چاپ چهل و یکم.
- ◆ **بار دیگر شهری که دوست می داشتیم**، نادر ابراهیمی، انتشارات روزبهان، چاپ ۱۳۸۹.
- ◆ **بخارای من، ایل من**، محمد بهمن بیگی، انتشارات قشقای، شیراز، چاپ ششم، ۱۳۸۸.
- ◆ **بهارستان**، عبدالرحمن جامی، به کوشش اسماعیل حاکمی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۲.
- ◆ **بی بال پریدن**، قیصر امین پور، نشر افق، تهران، چاپ دوازدهم و سیزدهم، ۱۳۸۸.
- ◆ **پرنده‌ای به نام آذرباد**، ریچارد باخ، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
- ◆ **تاریخ بلعمی**، ابوعلی بلعمی، به تصحیح محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی، ۱۳۵۳.
- ◆ **تبر**، شکوفه تقی، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ◆ **حرف‌های شکلاتی**، کنزالومور، ترجمه سیما مشهوری، نشر سبز خط، ۱۳۸۹.
- ◆ **حرف‌های همسایه**، نیما یوشیج، انتشارات دنیا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ◆ **داستان زندگی من**، هلن کلر، ترجمه ثمینه باغچه‌بان (پیرنظر)، نشر علم، ۱۳۸۷.
- ◆ **داستان نویسی**، اینگرمسن، رندی و اکونومی، پیتیر، ترجمه سارا کاظمی منش، نشر آوند دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.



- ♦ **راز موتورسیکلت من**، رولد دال، ترجمهٔ محبوبه نجف‌خانی، نشر افق، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.
- ♦ **رسایل جامع**، خواجه عبدالله انصاری، با تصحیح وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی، چاپ سوم، ۱۳۴۹.
- ♦ **زبان فارسی (۱)**، کتاب درسی سال اول متوسطه، گروه مولفان، ادارهٔ کل چاپ و نشر کتاب‌های درسی، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳.
- ♦ **سه سوت جادویی**، احمد اکبریور، نشر افق، ۱۳۸۷.
- ♦ **شما که غریبه نیستید**، هوشنگ مرادی کرمانی، انتشارات معین، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
- ♦ **غلط نویسیم**، ابوالحسن نجفی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.
- ♦ **فارسی اول راهنمایی**، احمد سمیعی و همکاران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ۱۳۸۵.
- ♦ **فارسی و آیین نگارش**، سال اول دبیرستان، علی سلطانی گردهرامری و همکاران، چاپ شرکت افست ۱۳۶۶.
- ♦ **قابوس‌نامه**، عنصرالمعالی کیکاووس، به کوشش غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- ♦ **قصه‌های مجید**، هوشنگ مرادی کرمانی، انتشارات معین، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۰.
- ♦ **کارنامهٔ سپنج**، محمود دولت‌آبادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۰.
- ♦ **کتاب کار نگارش و انشا (آموزش مهارت‌های نگارشی)**، حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ♦ **مجموعه کامل اشعار (از شعرهای ۱۳۸۵-۱۳۵۹)**، قیصر امین‌پور، انتشارات مروارید، تهران، چاپ نهم، ۱۳۹۱.

